**نظام جمهوری اسلامی، مسئولِ فاجعهٔ طبس و گرمسار**

**شباهنگ راد**

مقدمتاً ورودِ مختصر به این مسئله نامربوط نیست که در جوامع سرمایه‌داری، کار برابر بانشاط، سرزندگی و سازندگی برای آیندهٔ بهترِ کارگران و سازندگان اصلی آن نیست. چون‌که از پیش، جهتِ تولید و سود آن معین، از پیش سیاستِ کارگری حکومت روشن و سر آخر کارگران رودررو با دست‌نوشته‌ها و مصوبات بی‌رحمانۀ صاحبان کار هستند.

در هیچ‌یک از نظامِ فعلی، نشان نیست که تولید در خدمت به جامعه و سود آن به جیب کارگران می‌رود. درجهٔ انحطاطِ همراه با تلف شدن زندگی میلیون‌ها انسان به همراه خانواده‌هایشان بسیار بارز هست. هرروز مرگ‌ومیر و ضرر مالی، هرروز بیکارسازی و حادثه‌های ناگوار، هرروز فقر بیشتر و ناتوانی در تهیۀ نیازهای اولیه زندگی، هرروز صدمات جسمی و روانی و هرروز استثمار بی‌انتها و افزایش ساعات کاری در میدان‌های تولیدیِ طاقت‌فرسا. آن‌قدر داده‌ها، بی‌مبالاتی و کارکرد غیرمسئولانهٔ نظام‌های سرمایه‌داری [نسبت به کارگران] زیاد است که ولو اشارهٔ گذری به همهٔ آن‌ها محال هست. یعنی اینکه حوادث کاری در قسمت‌های تباین بسیار جلوتر از زمان هست و توضیح بیست‌وچهارساعته دربرگیرندهٔ همهٔ آن‌ها نیست.

بطوریقین موقعیتِ کارگران من‌حیث‌المجموع در ساختار نظام‌های سرمایه‌داری [باکمی تفاوت] یک‌جور است و همه‌جا کارگران برای تهیه لقمه نان در رنج و عذاب هستند. سوءظن نیست که اوضاع کارگرانِ کشورهای وابسته به امپریالیسم ازجمله ایران به‌مراتب هراس‌انگیزتر و اسفبارتر است. زیرا که جدا از مبارزه برای دریافت دستمزدِ درازای کار انجام‌شده، ناامنی شغلی و به‌ویژه رودررو شدن با حوادث کاری همچون قطع انگشتان دست و صدمه در حین کار و انفجار در معادن و میدان‌های تولیدی، به دشواری‌های روزانۀ کارگران تبدیل‌شده است. به‌طور نمونه و طبق گزارش رسانه‌های جمعی در تاریخ سی‌ویک شهریورماه، چهل‌ونه تن از کارگران معدن طبس در اثر انفجار گاز جان خود را از دست دادند. به دنبال این حادثهٔ فاجعه‌بار، در تاریخ دوم مهرماه، چهار انفجار در "کارخانه میعانات نفتی در شهرک صنعتی فجر گرمسار" باعث سوختگی شدید دو تن از کارگران شده است و «حمید مجیدی»، رئیس هلال‌احمر شهرستان گرمسار گفته است "احتمال وقوع انفجارهای بعدی زیاد است".

کاملاً مشخص است حادثه‌های طبس و گرمسار در زیر سلطهٔ رژیم جمهوری اسلامی ایران اولین یا دومین نیست و طبعاً آخرین آن‌ها هم نخواهد بود. صدها نمونه در این خصوص هست و بی‌شک جامعهٔ کارگری در آینده به دلیل پردوام بودن حاکمیت سرمایه‌داران و کارفرمایان سودجو، با هزاران حوادث دیگر رودررو خواهد شد. برای اینکه نظام جمهوری اسلامی کمترین ارزشی برای جان کارگران قائل نیست و هم‌معنی با تعرض به معیشت آنان؛ هم‌معنی با استثمار بی‌انتها درازای عدم پرداخت دستمزدهای چندرغاز است. متأسفانه آن‌قدر اوضاع کاری و زیست کارگران در زیر سلطۀ جانیان بشریت درب‌وداغان هست که با هیچ قلم و سخنی نمی‌شود آن‌ها را به تصویر کشاند. درنتیجه پروندۀ سردمداران رژیم جمهوری اسلامی [در این قسمت] بسیار قطور است و بیش‌ازاندازه به سفرهٔ ناچیز کارگران ورود و بیش‌ازاندازه جان آنان را دست‌مایهٔ سیاست‌های غیرانسانی خودکرده‌اند. دستگاه‌ها فرسوده و معادن فاقد امکانات ایمنی در برابر حوادث هست و صاحبان تولیدی نه‌تنها کوچک‌ترین اقدامی در جهت تهیه و ترمیم آن‌ها نمی‌کنند، بلکه با اعتراضات و با گوشزدهای کارگران پیرامون وقوع حوادث پیشارو، با تهدید، با اخراج، یا با تسویه‌حساب روبرو می‌شوند. به‌طور مثال خواهر یکی از کارگران معدن می‌گوید "روز حادثه معدنکاران هشدار داده بودند که آنجا بوی گاز هست، امّا به آن‌ها گفتند یا برگردید سرکار یا تسویه‌حساب کنید".

به‌راستی چهرۀ ضد انسانی و غیر کارگری منادیان سرمایه را می‌شود در پاسخ به اعتراض و گوشزد کارگران [قبل از وقوع حادثه] دید. سرمایه‌داران مفت‌خور به‌غیراز کار و تولید بهر قیمت فکر نمی‌کنند، نه به فکر مشکلات روزانۀ کارگران هستند و نه به عواقب زندگی خانوادۀ صدمه‌دیدگان همراهی و همدلی دارند. پس به هر میزان از رفتار و از کردار سران حکومت گفته یا نوشته شود، دربرگیرندۀ جنایات ارتکابی چندین دهه‌شان نیست و به دنبال هزاران ادله و سندهای ضد کارگری موجود هست که نشان می‌دهد سران حکومت تحت هیچ شرایط و موقعیتی جوابگو نیستند و اتفاق طبس و گرمسار یک‌بار دیگر، تأیید گر این حقیقت هست که بود حاکمان فعلی، برابر با تأمین و مراقبت از منافع صاحبان تولیدی و استثمارگران بی‌رحم هست؛ برای اینکه از آنِ آنان [سرمایه‌داران]اند و با طبقه کارگر و اقشار ستمدیده بیگانه و به دنبال بی‌تفاوت به گوشزدها و هشدارهای قبل از وقوع حادثه توسط کارگران هستند. آنچه در عقل بیمارِ حکومت‌مداران و دولت‌مردان و صاحبان تولیدی تلنبار شده است، سودِ بیش‌ازپیش به ازای تلف شدن کارگران و پاشیدن زندگی باقی‌ماندگان آن‌ها هست. در سیستم تعریف‌شدۀ سرمایه‌داران کارگر حق اعتراض و گوشزد به حادثه‌هایی همچون معدن طبس را ندارد و بیان این موضوعات برابر با سرکوب و تهدید به اخراج و "تسویه‌حساب" است. نمونه‌ها در خصوص فوق فراوان‌اند و متعاقباً دیده‌شده است که چطور نهادهای به‌اصطلاح کارگری و کارفرمایان نقش سوپاپ اطمینان گردش دم‌ودستگاه‌های تولیدی در درون معادن و در درون کارخانه‌های استثمار ایفاء می‌کنند. دریغا در اثر مناسبات و سیستم نابرابر حاکم در ایران، تهیه و ترمیم ابزار بازدارندۀ حوادث کاری به همراه صدها مشکل دیگر، به دغدغه و به معضلات کارگران در میدان‌های تولیدی و ساختمانی تبدیل‌شده است.

بهر جهت به‌موجب حاکمیت تفکر و فرهنگ ضد کارگری حاکم در جامعه، و به‌موجب عدم مسئولیت‌پذیری سران نظام در قبال ناامنی محیط‌های تولیدی، انتظاری به‌غیراز آنچه در طبس و گرمسار اتفاق افتاده است، نیست. روشن‌تر اینکه عامل اصلی پیشامدهای کارگری، حکومت‌مداران و دولت‌مداران هستند و تا زمانی سایهٔ آنان در میدان‌های تولیدی و معادن سنگینی می‌کند، حیات و هستی کارگران به همراه خانواده‌هایشان در معرض خطر و تهدید هست و همان‌گونه «حمید مجیدی»، رئیس هلال‌احمر شهرستان گرمسار گفته است "احتمال وقوع انفجارهای بعدی زیاد است".

سرانجام امنیت شغلی، تضمین کاری و جان کارگران، وابسته به نبود نظام سرمایه‌داری وابسته در ایران هست و تنها در نظام و در سیستم مطابق با منافع کارگران است که تولید و ثروت‌های طبیعی در خدمت به جامعه و پس‌ازاین خبری از ضایعات و مرگ‌‌ومیر کارگران در اثر حوادثی همچون طبس و گرمسار نخواهد بود.

27 آگوست 2024

6 مهر 1403